

نگاهی به مراسم عزاداری ماه محرم در اشکور گیلان

(علم بندی، علم واچینی و زرزره (گریه و زاری)

حسن یگانه چاکلی*

مقدمه

اشکور (eškevar) یکی از مناطق باستانی و تاریخی گیلان است. این سرزمین خاستگاه اولیه آل زیار، آل کاکلی، فیروزانیان و خاندان هزار اسپی اشکوری می‌باشد که روزگاری، برخی از امرای آن بر قسمت عظیمی از نواحی ایران حکومت می‌راندند. روستاهای کاکرود، زیاز و چاکان از جمله آبادی‌هایی هستند که امیران قدرتمندی چون ماکان بن کاکلی بی نعمان، مردوایج زیاری و کیاملک هزار اسپی اشکوری به ترتیب از آنجا برخاسته‌اند.

اشکور تماماً در ناحیه تاریخی دیلم قرار دارد. این سرزمین در ایام فرمانروایی علویان در طبرستان از پایگاه‌های مهم سادات علوی بود، اما از سده چهارم هجری با فعالیت مبلغان اسماعیلی در دیلم گروهی از مردم این ناحیه به کیش اسماعیلی درآمدند و در سال ۴۸۴ ق. حسن صباح را در گرفتن دژ الموت یاری دادند. با این حال پس از سقوط الموت در سال ۶۴۵ ق. اسماعیلیان ناحیه اشکور مذهب خویش را نگه داشتند و از چنان نیرویی برخوردار بودند که در پادشاهی اباقا (۶۶۳-۶۸۰ ق) حتی یکبار کوشیدند تا دوباره بر الموت دست یابند (صدر حاج سید جوادی، ۱۳۶۸: ۲۰۲)

اشکور به دلیل وسعت فراوان منطقه و با توجه به آداب و رسوم مشترک و شرایط طبیعی و اقلیمی یکسان نقاط دور و نزدیک آن در محاورات روزمره به «اشکوروات» نیز معروف است. در میان آداب و رسوم مردم اشکور، مراسم عزاداری آن در ماه محرم ویژگی خاصی دارد که در این مقاله به طور مختصر به آن پرداخته می‌شود.

مراسم عزاداری ماه محرم در اشکور گیلان

مراسم عزاداری ماه محرم در میان مردم اشکور بسیار حائز اهمیت است. همه مردم اعم از پیر و جوان در این مراسم شرکت می‌کنند و در رثای سرور و سالار شهیدان به نوحه‌سرایی و سینه‌زنی می‌پردازند. در میان مراسم عزاداری سه رسم بیش از همه در میان اشکوریان رایج و شایع است:

اشکور یکی از مناطق باستانی و تاریخی گیلان است. این سرزمین خاستگاه اولیه آل زیار، آل کاک، فیروزانیان و خاندان هزار اسبی اشکوری می‌باشد که روزگاری، برخی از امرای آن بر قسمت عظیمی از نواحی ایران حکومت می‌راندند

مراسم علم دبسی (alam_dabesi) = علم بندی

در بیشتر نقاط اشکور رسم است که در شب هفتم محرم عزاداران حسینی طی مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی پارچه‌های سبز و سیاه و رنگ‌های دیگر را یکی پس از دیگری بر چوب علم گره می‌زنند. علم غالباً چوب کنده‌کاری شده‌ای است که حدود سه چهار متر طول دارد که بر سر آن پنجه فلزی نصب شده است. مردم اشکور بر این عقیده‌اند که با بستن پارچه‌ها بر چوب علم می‌توان در حقیقت جوانمردی و پهلوانی علمدار دشت کربلا را دوباره به تصویر کشید و زنده گردانید. از این رو در این شب بیشتر از شبهای دیگر و گاهی اوقات تا سپیده‌دم عزاداری می‌کنند.

در این شب حتی آنهایی که توفیق شرکت در مراسم دهه محرم را به هر دلیلی تا شب هفتم پیدا نکرده‌اند، چه آنها که در خود روستا ساکن هستند و چه آنها که در شهرهای بزرگ ساکنند در مسجد روستا حضور می‌یابند تا سهمی از ثواب مراسم علم‌بندی ببرند. همچنین غذای ساده‌ای نیز تدارک دیده می‌شود تا عزاداران بتوانند از غذای تهیه شده تبرک جویند. برخی نیز در صددند تا غذای مراسم این شب را با هزینه خود تهیه نمایند. علم‌بندی معمولاً با نذر و نیاز و حاجت‌خواهی همراه است. شخصی که نذر و نیتی دارد پارچه‌های رنگارنگ را به عشق امام حسین (ع) و دیگر شهدای کربلا بر روی علم گره می‌زند. هر تکه پارچه‌ای که بر علم بسته می‌شود در حقیقت خواهش و تمنایی است. اشکوریان این شب را شب ابوالفضل العباس (ع) ساقی و علمدار حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به

۱- علی اکبر طلوعی گیلانی فرزند علی اکبر اشکوری در تاریخ ۱۲۶۴ شمسی در اشکور متولد گردید. وی پس از تکمیل دوره مقدمات در شهرهای قزوین، تهران و قم دوره خارج را در نجف اشرف به پایان رساند و واجد درجه اجتهاد شد. مرحوم طلوعی پس از سه سال توقف از نجف به ایران بازگشت و در رحیم‌آباد رودسر به ترویج شعائر مذهبی پرداخت. وی که دارای قریحه شاعری بوده برای ائمه اطهار بویژه حضرت امام حسین (ع) و یاران او مرثیه‌ها سروده که زبانزد مردم اشکور است. سرانجام در سال ۱۳۱۴ شمسی در رودسر بدرود حیات گفت و در رحیم‌آباد به خاک سپرده شد که اکنون آرامگاه وی زیارتگاه مردم این سامان و دیگر عاشقان اهل بیت است.

حساب می‌آورند. در هنگام بستن پارچه‌ها به دور علم معمولاً نوحه زیر که متعلق به مرحوم طلوعی اشکوری^(۱) است خوانده می‌شود:

از داغ تو عباس شکسته کمر من	از غربت تو پاره چه تن شد جگر من
نخل قد تو بهر چه از پای درآمد	از دست شدم تا که عمودم به سر آمد
برخیز علم گیر که من چاره ندارم	بخشای که دستی به تن پاره ندارم
برخیز روان شو که دگر یار ندارم	افسوس که من طاقت رفتار ندارم
بگشاز وفا چشم ودل سوخته‌ام بین	از تیر جفا چشم به هم دوخته‌ام بین
بشکسته کمر نعل تو بردن نتوانم	بستن ز رخت دیده و مردن نتوانم
سر بر مکش از زانو و مشکن دل خویشان	کن عفو بود سر کشی از مغز پریشان
از بهر جوانیت یقین اشک فشانی	سهل است مرا مرگ و تو گرزنده بمانی
گویا بود افغان تو بهر پسر خود	آنها همه قربان تو همچون پدر خود
افسوس دگر چشم حرم خواب ندارد	هیئات لب تشنه‌شان آب ندارد
بنشینم و نالم اگر اعدا بگذارد	بر خیزم و آیم اگر اعضا بگذارد
بر گوی وصیت اگر ای صف‌شکنم هست	در خیمه مبر تا رمقی در بدنم هست
بر شعر «طلوعی» بنگر نوحه‌گر ماست	ران ملخ مور به مدنظر ماست

مراسم علم واجینی = *alam-vâcini* علم بر چینی

این رسم در بیشتر نقاط اشکور پس از ظهر عاشورا انجام می‌شود. از صبح عاشورا که مردم برای انجام مراسم عزاداری به مسجد روستا می‌روند، از یک یا دو مداح و یک روحانی از خود روستا و یا در خارج از آن دعوت به عمل می‌آورده تا مراسم روز عاشورا و علم برچینی را بهتر برگزار کنند.

در این میان زنان روستا نیز در خانه‌هایشان ناهار عزاداران را تهیه می‌کنند. آنگاه غذای تهیه شده به صورت جداگانه توسط هر خانوار به مسجد روستا فرستاده می‌شود. سپس عزاداران - چه آنها که از خود روستا بوده و چه آنهایی که از روستاهای اطراف جهت عزاداری آمده‌اند - مشغول صرف غذا می‌شوند. بعد از صرف غذا مراسم علم برچینی آغاز می‌شود. عزاداران همچنان که در هنگام علم‌بندی، پارچه‌های رنگارنگ را به دور علم بسته بودند در هنگام علم برچینی نیز همان پارچه‌ها را مجدداً از علم جدا می‌کنند. با این

کار در حقیقت عزاداران بر این عقیده‌اند که تا حدی می‌توان تنهایی و بی‌کسی سالار شهیدان را با از دست دادن علمدار کربلا به تصویر کشید.

در یکی دو سال اخیر مراسم علم بر چینی در بسیاری از روستاها به دلیل مقارن شدن ماه محرم در فصل زمستان و حضور کم اشکوریان در این فصل، در عصر عاشورا انجام نمی‌شود. لذا این مراسم را در فصل تابستان که جمعیت بیشتری در اشکور ساکن هستند به جا می‌آورند. البته در پاره‌ای از روستاهای اشکور این مراسم را بعد از برداشت محصول - که عمدتاً گندم و جو هستند - برگزار می‌کنند.

در هنگام علم بر چینی همانند زمان علم بندی، اشکوریان نوحه زیر را که متعلق به مرحوم طلوعی اشکوری است زمزمه می‌کنند:

بی کسم بین برادر خیز از زمین ابوالفضل(ع)	چشم پر ز خون نما باز غربتم بین ابوالفضل(ع)
آب آورم برادر از چه روی خاک خفتی	ای نهنگ من چه ماهی از چه در مغاک خفتی
ای پلنگ رزمگاهی سینه چاک چاک خفتی	می‌گشم ز فرقت تو آه آتشیـن ابوالفضل(ع)
قد نما علم، علم گیر کز الم دلم تپان شد	شیر دل برادر من روز، روزِ روبهان شد
ترسم خصم کینه جورفت وقت خوف کودکان شد	خواب راحت از زنان رفت نزدها کین ابوالفضل(ع)
قوچ جنگیم برادر پشتم از الم شکسته	چاره‌ام ز دست رفته همراه امید بسته
بازویت چه کسی بریده جبهات چرا شکسته	دیدۀ تو گشته خونبار از چه اینچنین ابوالفضل(ع)
از چه بر سرم برادر سایه لوائ تو نیست	تا زنده هرزمانم طعن مشرکین ابوالفضل(ع)
ای برادرا «طلوعی» ذکر ماتم تو دارد	از پس غم برادر بیشتر غم تو دارد
جبهه کرده ناک هر دم پیش مقدم تو دارد	هم شفا به وی کرم کن هم ده آفرین ابوالفضل(ع)

مراسم زرزره = (zar zava) گریه و زاری

این مراسم در اشکور در شب عاشورا انجام می‌شود. در این شب عزاداران تا اذان صبح به عزاداری سالار شهیدان و اصحاب با وفایش پرداخته و به تعبیر اشکوریان زرزره می‌کنند. مداحان زیادی در این شب به مداحی پرداخته و زنجیر زنان و سینه زنان در دم گرفتن مرثی آنان را همراهی می‌کنند. همچنین بعضی از جوانان اشکور با دستجات خاصی به روستاهای اطراف می‌روند. عده ای ریش سفید نیز در مسجد روستا به انتظار می‌نشینند تا آنان به روستا برگردند تا ضمن تکریم عزاداری جوانان، از دستجات عزاداری که از روستاهای دور و

نزدیک جهت عزاداری قدم در روستا می‌نهند پذیرایی کنند.

در اشکور رسم است که در صورت برخورد دو دسته عزاداری در میان راه با عبارت «احمد مختار سلام علیکم» به یکدیگر سلام می‌دهند و در موقع جدا شدن با عبارت «ای همسفر زینب رفتیم خداحافظ، ای تاج سر زینب رفتیم خداحافظ» همدیگر را جهت خداحافظی بدرقه می‌کنند.

دستجات عزاداری بعد از بازگشت به روستا تا اذان صبح به عزاداری می‌پردازند. بعد از اقامه اذان عزاداران با علمی که در دست دارند چندین بار دور امامزاده روستا طواف می‌کنند و به «زر زره» می‌پردازند.

در میان روستاهای اشکور روستاهایی نیز وجود دارد که به واسطه نبود امامزاده در آنجا در مکان مقدس دیگری به عزاداری مشغول می‌شوند که روستای بلترک از آن جمله است. در این روستا عزاداران با به همراه داشتن علم، در شب عاشورا در پایین قلاکوتی عزاگو در نقطه‌ای به نام «عزادشت» به «زرزره» می‌پردازند.

اشعار زیر در هنگام «زرزره» کردن در بیشتر موارد توسط عزاداران اشکور زمزمه می‌شود:

حسینم کو حسینم کو حسینم	حسینم کو حسینم کو حسینم
علم دار سپاهم ای برادر	شهیید بی گناهم ای برادر
تویی پشت و پناهم ای برادر	برادر ای برادر ای برادر
حسینم کو حسینم کو حسینم	حسینم کو حسینم کو حسینم

بعد از انجام این مراسم عزاداران جهت اقامه نماز صبح راهی مسجد می‌شوند و سپس به خانه‌هایشان می‌روند. آنگاه پس از حدود سه ساعت استراحت مجدداً در مسجد روستا جهت انجام مراسم روز عاشورا حاضر می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منبع

۱. صدر حاج سید جوادی، احمد. دایرةالمعارف تشیع. تهران: سازمان دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۶۸.



فهرست
شماره ۵ و ۶